

اعتراض معلمان! مجلس و دولت شارلاتان ها

حزب حکمتیست (خط رسمی)

دولت و مجلسیان،
”سرافرازند“ که توانستند راه
اجتماع هزاران نفره و سراسری
معلمان معترض راه، که بیش از
شش ماه است با تظاهرات و
اعتصاب سراسری گریبان شان را
گرفته اند، سد کنند. ”مفتخرند“
که با دستگیری و ایجاد مقررات
حکومت نظامی، توانستند خود را
از خطر رسیدن صدای حق طلبی
دهها هزار معلم ناراضی و مبارز،
حفظ کنند.
ظاهرا توانستند مانع رسیدن
این صدای حق طلبی، نه به
گوش مجلسیان و مقامات که
مهندسين فقر و بی حقوقی
همگان و از جمله معلمان اند، که
به گوش جامعه شوند. ←

دیروز، ۳۱ تیرماه، هزاران
معلم معترض به زندگی زیر خط
فقر و ناامنی شغلی، و در اعتراض
به زندانی شدن معلمانی که
قربانی تلاش برای بهبود شرایط
کار و زندگی خود و همکاران
شان شده اند، از سراسر ایران
تظاهراتی در مقابل مجلس
تدارک دیدند و اجتماع کردند.
این حرکت، در نطفه و در شروع،
با فضای امنیتی که توسط
دستگاههای اطلاعاتی و پلیسی
ایجاد شده بود، با مقررات
حکومت نظامی و ممنوعیت
اجتماع بیش از دو نفر، و بالاخره
با دستگیری تعدادی از شرکت
کنندگان در این حرکت اعتراضی،
انگونه که می بایست برگزار نشد.

سفری توأم با خیر و برکت!

مظفر محمدی



دیروز ۴ مرداد ۹۴، رئیس
جمهور روحانی در یک سفر سریع،
به سندانج آمد تا به این ”دیوار رفیع
و مردم مرز دار و غیور و مدافع
جمهوری اسلامی و دفاع مقدس“ خیر و برکت ببخشد!

روحانی با تمام قوای نظامی و لباس شخصی هایش با
قرق خیابان ها و بستن مغازه کسبه شهر توانست دو هزار
نفر را در میدان استقلال سندانج جمع کند، تا به
لاطالعاتش صلوات بفرستند. روحانی و همه همکاران
دولت و رژیمش در سندانج و کردستان میدانند که اگر
شهر را نظامی نمی کردند، بدون تردید صدها هزار کارگر
و زحمتکش از زن و مرد و پیر و جوان با شعار ننگ بر
رهبر قاتلان و شکنجه گران و غاصبان نان سفره
کارگران و معلمان و پرستاران و همه زحمتکشان، از او
استقبال میکردند و از همان فرودگاه به کاخ ریاست شان
بر می گردانند. ...
صفحه ۴

اطلاعیه پایانی
پلنوم سی و پنجم کمیته
مرکزی حزب حکمتیست
(خط رسمی) صفحه ۲

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) پایان یافت

۱- گزارش
۲- اولویتهای حزب در خارج
۳- انتخابات
گزارش به کنفرانس توسط
دبیر تشکیلات خارج کشور حزب
ارائه شد. خالد حاج محمدی در
سخنان خود به اوضاع کنونی
ایران و موقعیت حزب حکمتیست
و در بطن آن به جایگاه
تشکیلات خارج حزب اشاره کرد.
وی تاکید کرد که بعد از
توافقات دول غربی و جمهوری
اسلامی وارد فاز جدیدی از اوضاع
خواهیم شد که باید در کار و
فعالیت حزب در خارج مورد نظر
قرار گرفته شود. ایشان تاکید کرد
که همزمان حزب حکمتیست
موقعیت جدیدی در سیاست ایران
یافته است.
دبیر خارج کشور ضمن
پرداختن به موقعیت کنونی حزب
حکمتیست و افزایش رفتن روی
آوری به حزب و توقعات از آن، به
اهمیت تشکیلات خارج در کل
استراتژی حزب ... صفحه ۳

روز پنجشنبه ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۵
کنفرانس تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست (خط رسمی) برگزار
شد.
کنفرانس با سرود
انترناسیونال و بدنبال یک دقیقه
سکوت به یاد جانباختگان راه
آزادی و سوسیالیسم شروع شد و
بعد از تصویب آئین نامه وارد
دستورات خود شد.
دستور جلسه کنفرانس عبارت
بودند از:

زوزه های پان ایرانیستی!

امان کفا



با اعلام خیر توافق هسته ای،
و تصدیق آن توسط ولی فقیه و
نیروهای پوزوسیون حاکم، ولوله
ای در میان اپوزوسیون برآه افتاد.

چپ سنتی نظیر راه کارگر طی بیانیه ای ابراز داشت
که شکست جمهوری اسلامی عیان است و اینبار خامنه
ای هم مجبور شده است تا ”جام زهر“ را بنوشد، گرچه که
شرایط امروز با دوره پایانی جنگ ایران و عراق متفاوت
است. البته راه کارگر برای اینکه اشتباهی رخ ندهد، و
تصورات ناسیونالیستی این جریان از یادها برود، همانجا
مشخص کرد که ”در چنین شرایطی فراموش نباید کرد
که شکست جمهوری اسلامی، شکست مردم ایران
نیست.“ مسلما راه کارگر اینقدر ابله نیست که تصور کند
که مردم تحت حاکمیت سی و چند ساله ... صفحه ۳

اعتراض معلمان!

دولت و مجلس شارلاتان ها

این صدها، نه با بازداشت اسماعیل عبدی (دبیر کانون صنفی معلمان ایران)، نه با دستگیری سایر معلمان معترض، نه با وضع مقررات منع عبور و مرور، و نه با وعده و وعید توخالی و پوچ، محو شدنی و خاموش شدنی نیست. چگونگی و ابعاد اجتماع مقابل مجلس نیست که معیار موفقیت یا عدم موفقیت است؛ نفس حرکت هزاران معلم ناراضی از سراسر کشور، حتی اگر اجتماع اعتراضی آنگونه که معلمان میخواستند برگزار نشد، صدای این اعتراض را به سراسر ایران، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، رسانده است. در مقابل این حرکت متحد و یکپارچه عدالتخواهانه، در مقابل این همدلی و همبستگی سراسری، مقررات منع عبور و مرور و دستگیری، قادر به مقابله نیست. اگر پس از این حرکت در نطفه خفه شده توسط دستگاههای پلیسی و اطلاعاتی، مقامات مجلس مقداری اراجیف در مورد "شان و حق معلمان" برای اجتماع و اعتراض تولید کرده اند، تنها عکس العملی به قدرت متحد و همبسته این حرکت و این مبارزه، و از ترس گسترش آن است.

جامعه، معلمان، محرومین و محکومین تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، با

انواع دولت های "جنگی" یا "تعاملی"، اصلاح طلب و تندرو، اصولگرا یا معتدل، آشنا است. میدانند که از مجلسیان تا بیت امام و دفتر رئیس جمهور، علاوه بر چماق سرکوب و زندان، چه تخصصی در شارلاتان بازی و تولید اراجیف در باب حق و منزلت مستضعفین، معلمان، کارگران و زنان دارند. اگر هنوز در مقابل مجلس و وزارتخانه های این شارلاتان ها، اجتماع میکنند، فقط و فقط به خاطر انسداد مطلق همه راههای اعتراض است، نه وجود کمترین توهمی به مجلس یا و وزرا و دولت اعتدال.

اعتراض برحق معلمان برای یک زندگی انسانی، مرفه و شایسته، تنها پیش درآمد اعتراضات وسیع تری است. مجلس و دولت و مقام معظم رهبری، با هر دشمن خودساخته ای چون "شیطان بزرگ" سر آشتی داشته باشد، با این صف دشمنی ذاتی دارد. این صف را بیش از این نمی توان با چماق سرکوب و زندان و تولید اراجیف ملی - اسلامی، ساکت نگاه داشت.

زنده باد آزادیخواهی و

برابری طلبی

بیروز باد مبارزه برحق

معلمان متعرض

حزب کمونیست کارگری -

حکمتیت (خط رسمی)

۱ مرداد ۱۹۸۴

۲۳ ژوئیه ۲۰۱۵

اطلاعیه پایانی
پلنوم سی و پنجم کمیته مرکزی
حزب حکمتیت (خط رسمی)

پلنوم سی و پنجم کمیته مرکزی حزب حکمتیت در روز شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۵ با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی برگزار شد.

پلنوم پس از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم رسماً شروع به کار کرد.

دستور جلسات پلنوم عبارت بودند از:

- گزارش مهمترین اقدامات کمیته رهبری
- دوره جدید و حزب حکمتیت
- انتخابات

گزارش به پلنوم توسط آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب ارائه شد. آذر مدرسی در مبحث گزارش ابتدا اشاراتی مختصر به اوضاع ایران بعد از توافقات اتمی و رابطه مردم و خصوصاً طبقه کارگر ایران با جمهوری اسلامی و نیازهای مبرم این دوره مبارزه طبقاتی و اهمیت ایفای نقش کمیتهها و مشخصاً حزب حکمتیت در این دوره کرد. دبیر کمیته مرکزی بر این اساس علاوه به گزارش اقداماتی که رهبری حزب کرده بود، به پاره ای تصمیمات کمیته رهبری در جواب به نیازهای این دوره جهت ایجاد آمادگی حزب برای جوابگویی به مسائل پیش رو پرداخت. دبیر کمیته مرکزی در این بخش از جمله به اقدامات عملی رهبری حزب برای تقویت کار حزب در ایران و تقویت تشکیلات حزب در داخل، و همزمان اقداماتی برای تقویت کار حزب در

کردستان پرداخت. علاوه دبیر کمیته مرکزی به اقداماتی در مورد کل تبلیغات حزب در این دوره و تصمیماتی که کمیته رهبری گرفته است اشاره کرد. در ادامه اعضا کمیته مرکزی ضمن سوالات خود در این زمینه، نکاتی را در همین راستا طرح کردند.

مبحث بعدی پلنوم کمیته مرکزی، دوره جدید و حزب حکمتیت بود. دبیر کمیته مرکزی در این بخش به نتیجه مباحثات کمیته رهبری در مورد این دوره و جایگاه و نقشی که حزب ما میتواند و باید ایفا کند پرداخت. آذر مدرسی ضمن اشاره به اوضاع ایران بعد از "توافقات هسته ای" و نتایج آن و سیاست اعلام شده تاکنونی حزب و تاکید بر اصولی بودن آن، به وضع جریانات سیاسی مختلف از راست ناسیونالیست پرو غرب تا ناسیونالیستهای کرد و همزمان به اپوزیسیون بی افق چپی پرداخت که در دوره گذشته روی شکاف غرب و جمهوری اسلامی سرمایه گذاری کرده بودند. آذر مدرسی به اوضاع جدید و رابطه ما با جامعه و طبقه کارگر در شرایط جدید و وظایف خطیری که این دوره بر عهده حزب ما است پرداخت. دبیر کمیته مرکزی ضمن اشاراتی به روی آوری به حزب در ایران و بهبود موقعیت اجتماعی حزب، بر اهمیت جوابگویی به نیازهای ایندوره انگشت گذاشت. آذر مدرسی در بخشی از سخنان خود به اهمیت "منشور رفاه، آزادی امنیت مردم ایران" به عنوان پرچم مطالباتی در جنبش اعتراضی

طبقه کارگر و کل صف آزادیخواهی در این دوره و در تقابل با سیاست تحمیل انتظار و سرکوب پرداخت. دبیر کمیته مرکزی همزمان به اهمیت دخالت بیشتر رهبری حزب به کار سازمانگرایانه و فراتر رفتن از تبلیغات اشاراتی کرد. ایشان در ادامه بحث خود به تصمیمات رهبری حزب در این راستا و همزمان به تمرکزهای تبلیغی این دوره نیز اشاره کرد. بدنبال اعضا کمیته مرکزی ضمن تاکید بر اوضاع جدید و اهمیت آمادگی حزب برای دخالت بیشتر و هدفمندتر و تلاش برای تغییر موقعیت حزب و دخالتگری بیشتر در عرصه های مختلف، به منشور آزادی و رفاه و جنبه های مختلف آن نیز پرداختند. پلنوم کمیته مرکزی ضمن تاکید بر بهبود موقعیت حزب و پشت سر گذاشتن دوره ای معین، به اهمیت تاثیر گذاری بیشتر و همزمان به اهمیت کار و اقدامات نقشه مند رهبری حزب پرداختند. پلنوم کمیته مرکزی تاکید داشت که حزب میتواند و باید در این دوره نقش شایسته خود را در تقویت صف کمونیستها در جامعه ایران و کمک به تغییر در توازن قوای موجود میان طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در برابر جمهوری اسلامی ایفا کند.

در بند انتخابات، پلنوم ابتدا آذر مدرسی را به عنوان دبیر کمیته مرکزی و امان کفا را بعنوان معاون دبیر ابقا کرد. سپس رفقا امان کفا، ثریا شهبابی، خالد حاج محمدی و فواد عبداللهی را همراه با دبیر کمیته مرکزی بعنوان کمیته رهبری در پست خود ابقا کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

- حکمتیت (خط رسمی)

۲۶ ژوئیه ۲۰۱۵

حکمتیت هستی را بخوانید و آن را تکثیر و پخش کنید!

حکمتیت را بدست کارگران برسانید!

کنفرانس تشکیلات خارج

کشور حزب

خصوصاً در اوضاع کنونی و فاصله آن از آنچه این تشکیلات باید باشد و کمبودهای جدی آن پرداخت. بعد از سخنان خالد حاج محمدی اعضا کنفرانس به جنبه های مهم کار و فعالیت حزب در خارج کشور و بر اهمیت رفع کمبودهای آن در جهت جوابگویی به اوضاع جدید پرداختند. کنفرانس یکپارچه بر اهمیت درست کردن سازمان حزب در خارج در جهت تبدیل آن به ماشینی کارا برای پیشبرد وظایف خود خصوصاً در اوضاع کنونی و به عنوان یکی از میدانهای اصلی فعالیت حزب در جهت کمک به تغییر توازن قوای کنونی

میان مردم انقلابی و طبقه کارگر ایران و جمهوری اسلامی و در خدمت کل استراتژی حزب پرداختند. مبحث بعدی کنفرانس اولویتهای حزب در خارج کشور بود که توسط خالد حاج محمدی ارائه شد. دبیر خارج کشور در این بخش ضمن پرداختن به افق عمومی کار حزب در خارج کشور به اولویتهای دوره ای حزب پرداخت. در این مبحث هم دبیر تشکیلات خارج و هم اعضا حزب در خارج کشور بر ویژگی دوره اخیر، بر تغییر مولفه هایی در فضای سیاسی در خارج کشور، بر موقعیت جریانات سیاسی اپوزیسیون و تحرک جدید جریانات ناسیونالیست و پرو جمهوری اسلامی و ضرورت تقابل یا

این جریانات در خارج کشور، مماشات و سکوت دول و میدیای رسمی در غرب در برابر استبداد و سرکوب و بیحقوقی در ایران بر تلاش بیوقفه ما برای رساندن صدای اعتراض طبقه کارگر و مردم معترض در ایران به افکار عمومی و جلب توجه و حمایت مردم آزادیخواه و سازمانهای رادیکال و مترقی تاکید داشتند. کنفرانس در این راستا بر اهمیت رفع موانع کنونی کار حزب در خارج، بر ساختن سازمان حزب و تامین سوخت و ساز سیاسی آن و بر حضور سیاسی فعالتر این تشکیلات پرداختند. کنفرانس تاکید کرد که تشکیلات خارج ما باید در جهتی حرکت کند که بتواند کمبودهای کنونی را رفع کند و موقعیت حزب در خارج را

بهبود بخشد و نیروی خود را در این جهت سازمان دهد. کنفرانس تاکید کرد که بعد از کنفرانس و بر اساس جهت ها و اولویتهایی که مورد بحث قرار گرفت، تشکیلاتهای مختلف حزب در خارج نقشه کار و اولویتهای دوره ای خود را تعیین کنند و بر اساس آن فعالیت و کار خود را دنبال کنند.

دستور بعدی کنفرانس انتخاب دبیر تشکیلات خارج بود. در این بخش خالد حاج محمدی به اطلاع کنفرانس رساند که بدلیل وظایف جدیدی که رهبری حزب به او محول کرده است، کاندید دبیر تشکیلات خارج نخواهد بود. فواد عبدللهی به اتفاق آرا به عنوان دبیر تشکیلات خارج کشور انتخاب شد.

در بخش پایانی کنفرانس، ایشان به عنوان اختتامیه، ضمن تشکر و قدردانی از تلاشهای صمیمانه و بی وقفه خالد حاج محمدی در تشکیلات خارج کشور، همزمان آرزوی موفقیت در سایر عرصه های فعالیت حزبی را برای ایشان داشت.

کنفرانس، در فضایی از همدلی و هم جهتی و اعتماد به نفس بالا در میان شرکت کنندگان و آمادگی برای رویارویی با اوضاع جدید، به کار خود پایان داد.

تشکیلات خارج کشور حزب
حکمتیست (خط رسمی)
۲۶ ژوئن ۲۰۱۵
www.hekmatist.com

روزه های پان ایرانیستی!

جمهوری اسلامی، در این شرایط زندگی مشقت بار در ایران، رژیم را با خودشان اشتباهی بگیرند، بلکه از این جهت است که راه کارگر می خواهد با هم خانواده های ناسیونالیست خود، خط و نشان بکشد. این خط و نشانی است که فرخ نگهدار، با تمامی سابقه سازمان معلوم حال اکثریت اش، در ۱۱ بند مشعشع به تقابل پرداخته است و ابراز می کند که امروز برخلاف دوره های گذشته، "نگاه کشور-محور" است، نگاهی که "خود نشانه بلوغ سیاسی جامعه ایرانی است".

فرخ نگهدار برای عقب نیافتادن از قافله سخنوران بورژوازی، فوراً به وجد آمده و به تهنیت گویی به هیئت

مذاکره کننده پرداخته است و اعلام میکند که امروز دیگر نه امپریالیسم و نه کشور تحت سلطه، اصلاً نه سرمایه و کار، نه سرمایه جهانی، نه روابط اقتصادی پایه ای، نه دولت و طبقات، بلکه دنیای امروز، دنیای توافقات و مذاکرات است!

تمامی این اراجیف برای این است که فرخ نگهدار نشان دهد که دولت اعتدال، دولت تاریخ ساز، دولت امید، دولت پیروزی عقل بر جهل، ... است. اما آنچه که با وجود زبان "انتقادی" فرخ نگهدار و راه کارگر، عیان است، بند ناف مشترک کل این اپوزیسیون و پوزوسیون بورژوازی است. اینها در میان صفی از سخنوران بورژوازی، کارشناسان تحصیل کرده، عمده عقب زده های کت و

شلواری و ... هستند که همگی دست به دست هم داده اند و پرچم ناسیونالیسم ناب، ایران و ایرانی را بلند کرده اند. در پس این چهره گل و بلبل میهنی، بوی تعفن پان ایرانیستی است که همه جا را گرفته است. آنچه که در این پرچم "موافق و مخالف" پیچیده شده است، آنچه که در زورق شعارهای عشق به ایران و ایرانی پرستی بسته بندی و تزئین شده است، پان ایرانیستی است که امروز مظهر و مصداق اتحاد بورژوازی بزرگ و عظمت طلب ایران، جمهوری اسلامی، و بخش وسیعی از طبقات حاکم است.

ناسیونالیسم یکی از تمرکزهای اصلی تبلیغات همگی نیروهای پوزوسیون و اپوزوسیون بورژوازی در این دوره است، و قرار است ارتعاش آن کل جامعه را بگیرد تا بتواند هر صدای اعتراض به شرایط سخت زندگی و

خواست های بهبود واقعی در زندگی مردم را خفه کند. حال که دیگر بهانه های جنگ و تحریم برای به گروگان کشیدن زندگی مردم مقبولیت خود را از دست داده است، امروز قرار است با دود عشق به میهن بزرگ و با عظمت، کارگر به خلسه رود و یک دور دیگر برای رشد و اقتدار اقتصاد سرمایه داری دندان روی جگر بگذارد. این همان سیاستی است که دوره جنگ ایران و عراق نیز، راه کارگر و اکثریت و بورژوازی عظمت طلب ایرانی را در کنار جمهوری اسلامی به دفاع از میهن کشاند. این همان پرچمی است که امروز روزنامه ها و میدیای بورژوازی در ایران همگی به خدمت گرفته اند. این فضایی است که چپ ناسیونالیستی نیز در آن احساس امنیت می کند. امروز قرار است که به بهانه "میهن و قدرت میهنی" هر صدایی که هرگونه سهمی از میلیارها

دلار سرمایه های آزاد شده را به کناری زند، تحت نام "پیروزی و توافق" اول قرض های دولت پرداخت شود، اول سرمایه گزاری شود، اول شرایط حضور و ورود سرمایه های به ایران مهیا شود، ... تا طلب کار اصلی، یعنی طبقه کارگر و مردمی که متحمل بیشترین و مشقت بار ترین شرایط زندگی شده اند به ته صف رانده شوند. تمامی ناله ها و زوزه های ناسیونالیستی هشدار علیه تصور "اشتباه" مردم با جمهوری اسلامی راه کارگر، و تهنیت گویی های پان ایرانیست ها و کل بورژوازی در ایران برای این است که سدی در مقابل خواست بهبود شرایط و خواست پایان دادن به فشار گرانی و افزایش سطح معیشت بسته شود. در مقابل این لاپایالات ناسیونالیستی، بیش از هر دوره دیگری، بایستی پرچم "رفاه، آزادی و امنیت" را برافراشت.

مرکز بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

سفری توام با خیر و برکت!

روحانی مثل همه بورژواهایی که بویی از انسانیت و شرافت نبرده اند، تاریخ را تحریف کرد، دروغ گفت و وعده دروغ داد. روحانی اگر یک جو شرافت داشت، می بایست به مردم سنندج و کردستان می گفت، شما در انقلاب نقش مهم داشتید ولی جمهوری اسلامی ما را نپذیرفتید. ما آمدیم و در یک لشکرکشی تمام عیار از هوا و زمین کردستان را فتح و تصرف کردیم و برای چند دهه شهر و محلات و روستاها و حتی کوهستانهای این "دیار رفیع" را میلیتاریزه کردیم تا توانستیم جمهوری اسلامی را به شما تحویل کنیم. این تاریخ نوشته شده ای است که هنوز جوهرش خشک نشده است. در مقابل این تاریخ، سناریوی دیگری هم هست. سنندج شهر اعتصابهای کارگری و اعتصابات عمومی، شهر اول مه های کارگری و ۸ مارس های اعلام برابری زن و مرد، شهر دو دهه مقاومت در برابر هجوم نظامی ضدانقلاب جمهوری اسلامی، شهر ادم برفی ها و دفاع از حقوق کودک و دفاع از محیط زیست، شهر همبستگی، همدلی و مقابله با ارتجاع مذهبی در همه اشکال شیعی و سنی و سلفی آن و شهر تشنه آزادی و برابری بوده و هست. این هم تاریخ نوشته شده ای است که جوهرش هنوز خشک نشده است. تاریخی که نگاهش به پیروزی انسانیت بر جهل و خرافه و

استبداد و استثمار است. روحانی اگر یک جو شرافت داشت به کارگران کردستان می گفت ما فعالین کارگری و رهبرانتان را هر چند ماه یک بار و به بهانه ای دستگیر و زندانی می کنیم. ما کارگر مدافع حقوق هم سرنوشتان را با کلیه های مریض در سیاه چال تا حد مرگ نگه داشتیم و اجازه مداوایش را ندادیم. روحانی اگر یک جو شرافت داشت به معلمان سنندج و مریوان و سراسر کردستان می گفت، همین دیروز ما همکاران شما را از متروی مقابل مجلس تا خیابان های اطراف، با باتوم و لگد کتک زدیم، مورد اهانت قرارشان دادیم، بازداشت کردیم و بدون جواب بر گردانیدیم. ما همکار دلسوز شما را تبعید کردیم و شلاقش زدیم! رفتاری، که شایسته بود نه کارگر دردمند و نه معلم شرافتمند، بلکه روحانی بعنوان یکی از روسای قاتلان و دزدان نان سفره مردم، از جانب مردم سنندج دریافت می کرد و به خانه برگردانده می شد. اما بورژوازی و شرافت و وجدان؟! این توفعی است که نمی توان از نمایندگان سیاسی و نظامی و قضایی بورژوازی در هر لباسی "معمم یا مکلا یا با سردوشی سرداری"، داشت. روحانی با ۸۰۰ و خرده ای میلیارد تومان باقیمانده از جیب گشاد دولت و سپاه و بنیادهای رهبری آمد تا وعده دهد با این پول ناچیز که جلو هر بورژوایی بیندازی قهر می کند، کردستان را آباد می کند. سد و جاده می سازد و کارهای

نیمه تمام را تکمیل کند و چند صد کارگر موقتا صاحب کار می شوند. این یک شیدادی و حقه بازی شرم آور است! روحانی نیامده بود تا جواب مطالبات معلمان سنندج و کردستان را بدهد؛ نیامده بود تا جواب بیمه بیکاری کارگران بیکار را بدهد. نیامده بود تا دستمزد کارگران را در حد نیاز و تورم تحویل شده، افزایش دهد. نیامده بود حقوق ناچیز و تحقیر آمیز بازنشستگان را بالا ببرد. نیامد به زنان و دختران جوان بگوید دخالت مذهبی و شرعی کثیف را از سرتان کم می کنیم. نیامده بود به کارگران بگوید آزادی شکل و اعتصاب حق شما است...! روحانی آمده بود تا به علما و نخبیگان و عمله و اکره سیاسی و اقتصادی و نظامی اش بگوید، هوایتان را داریم. آمده بود تا به سرمایه داران کردستان پیام حمایت از سودآوری سرمایه را بدهد. سودآوری که از گرده کارگران و تعرض به سطح معیشت مردم و تحمیل گرانی و تورم و فقر و گرسنگی و اعتیاد و فحشا...، تامین و تضمین می شود. مطالبات مردم سنندج و کردستان همچون همه کارگران و زحمتکشان و هم سرنوشتانشان در سراسر ایران، روشن است. مطالباتی که روحانی سردسته دزدان و غاصبان نان سفره مردم از شنیدن آن خواه از زبان کارگر یا معلم یا پرستار یا جوان بیکار و هر زحمتکشی باشد، بیزار است.

جواب کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه سنندج و کردستان به سفر روحانی روشن است: - گذاشتن کیسه جمع آوری نامه شکایت و استغاثه که سنت خلفا و نظرکرده احمقی چون احمدی نژاد است، شگرد بی آبرو و امتحان پس داده ای است. توهین به حرمت انسان متمدن قرن بیست و یکم است. - جواب این است که دارایی های مملکت را تحویل ما بدهید به شما قول می دهیم که در کم تر از عمر یک دوره هر ریاست جمهوری اسلامی تان، رفاه و آزادی و امنیت جامعه را تامین خواهیم کرد. رفاه، آزادی و امنیت، کم ترین و ابتدایی ترین خواستی است که دولت روحانی و بنیادهای اقتصادی و نظامی دولتی و خصوصی از مردم ایران غصب کرده اند. دولتی که رفاه و آزادی و امنیت را تامین نمی کند، نماینده هیچ کس نیست بجز طبقه ای که حکومت را و دولت را با زور دستگاه قضایی و مجلس اسلامی و به ضرب اسلحه و زندان و اعدام و شکنجه از مردم غصب کرده است. - جواب مردم سنندج به روحانی این است که بجای گذاشتن گونی های جمع آوری نامه و اهانت به فقرا و محرومین، چند دقیقه و تنها چند دقیقه میکروفون میدان استقلال را بدون تهدید و زور در اختیار یکی از نمایندگان کارگران، معلمان، بیکاران،

زنان و جوانان شهر ما قرار می دادید. آنوقت از ما تنها یک پیام دریافت می کردید: یا رفاه و آزادی و امنیت جامعه را تامین و تضمین کنید یا بروید و جامعه را دست صاحبان واقعی شان بسپارید. رفاه، آزادی و امنیت مطالبه تنها مردم سنندج و کردستان نیست. این مطالبه طبقه کارگر ایران از شاغل و بیکار و همه زحمتکشان از معلم و کارمند و پرستار و همه جوانان پسر و دختر فاقد آینده و افق زندگی انسانی است.

و بالاخره پیام مردم این است که بورژوازی انهم از نوع جمهوری اسلامی آن مطالبه انسانی و شرافتمندانه رفاه، آزادی و امنیت را ولو ابتدایی ترین مطالبه انسان امروز است را پاسخگو نیست. و کیست که نداند، "حق گرفتنی است، دادنی نیست!"

"شور رفاه، آزادی و

امنیت مردم ایران" را

بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>



www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!